

مجموعه کالشنامه

بازگشت از قیامت

www.ketab.ir

الف - خورگام

بازگشت از قیامت (مجموعه گالشنامه)

ارسلان رسولی (الف - خورگام)

www.galeshname.ir

طراح جلد: صدرا فداکار

صفحه آرآ: ک. محمدیان

تعداد صفحه: ۸۰

چاپ اول: ۱۳۹۳

شماره: ۱۰۰۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

رده بندی کنگره: BP ۲۲۲/۵ ر ب ۲ ۱۳۹۳

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۵۳۵۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۸۹-۱۰-۱

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

انتشارات عدن

نوشهر خ ۱۵ خرداد پاساژ ۱۵ خرداد طبقه دوم

تلفن: ۰۱۱۵۲۳۵۸۷۵۹۰ دوزنگار: ۰۱۱۵۲۳۵۳۴۴۹ همراه: ۰۹۱۳۲۰۴۱۲۳۱

nashradan@gmail.com

فهرست

مقدمه..... ۷

فصل اول

بازگشت از قیامت..... ۱۳

فصل دوم

سرزمین رؤیاها..... ۳۱

نذری که برآورده شد..... ۳۵

پل صراط..... ۳۷

ترجم..... ۳۸

کوچک بودم، همه را بزرگ می‌دیدم..... ۳۹

- ۴۰..... با من باش
- ۴۱..... تو نیز باور کن
- ۴۲..... خدا را باور کن
- ۴۳..... دانایی
- ۴۴..... وقف
- ۴۵..... رضایت خدا
- ۴۶..... او می آید
- ۴۹..... نامه ای به امام رضا

فصل سوم

- ۵۷..... مناجات

مقدمه

سرسختی انسان متمدن در برابر آفرینش و ادعای برتری وی به شناخت «مابعدالطبیعه و حتی ماوراءالطبیعه» نتوانسته است او را از فکر قیامت و روز جزا دور نگاه دارد. انسان متمدن با اینکه خود را خوش فکر و مسلمان وابسته به فرهنگ غرب می داند، اسلام را با تفسیر علمای شیعه و سنی قبول ندارد. ولی از مرگ و اینکه شاید داستان قیامت حقیقت داشته باشد می ترسد. بنابراین قبول می کند نشانه های قیامت در قرآن حقیقت دارد. این را هم خوب می داند سهم وی از بهشت و جهنم بستگی به میزان عملکرد خوب و بد او در دنیا دارد.

"فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ"

آیا کسی هست از قیامت بترسد؟!۱

بله! من از مرگ و روز جزا می ترسم. همه می ترسند، هیچ یک از ما دوست نداریم بمیریم. با اینکه می ترسیم خوب می دانیم دیر یا زود دنیا را نه به رضایت، بلکه ناخواسته ترک خواهیم کرد.

چه کنیم تا از حساب و کتاب روز قیامت نترسیم؟

علمای دین و بزرگان علم برای برون رفت از ترس و گذر از روز قیامت دعا را پیشنهاد می کنند. دعا یعنی درخواست از توانایی که می تواند خواسته های مخلوقش را برآورده کند. می تواند ببخشد و یا هر آنچه را بخشیده است، بگیرد. چراکه او هم رحمت است و هم قهار! بنابراین می شود به آن تکیه کرد و به رحمتش امیدوار بود و یا خشم او را با دعا و شکرگزاری از نعمت های داده شده تبدیل به رحمت الهی کرد. می توانیم هم از او تشکر کنیم و هم از او بخواهیم تا به ما بصیرت فهم آیات خویشی را عطا کند.

دل های ما را، از کدورت کینه ها و هر خلق ناپسند، پاکیزه نماید. یاری مان کند، تا بتوانیم شکرگزار نعمت های خدای یکتا باشیم.

در دعا که نوعی استغاثه و سخن گفتن با خداست، از اربابی که خود مالک زمین و آسمان ها و نیز مالک روز جزاست می خواهیم ما را در رسیدن به اهداف انسانی مان کمک کند. از او نمی خواهیم به درد شکم ما توجه کند، بلکه می خواهیم ما را در رسیدن به نفس مطمئنه یاری دهد.

چرا بازگشت از قیامت ؟

کلمه قیامت در ابتدا همراه با حروف الفبای زندگی با من بود. یادام نمی رود، وقتی از ترس مجبور می شدم دروغ بگویم، مادر می گفت :

دروغ گو دشمن خداست ! جای دشمن خدا در روز قیامت درون آتش جهنم است.

اول فکر می کردم جهنم جایی مثل انباری خانه ماست که هر وقت مادر از دستم عصبانی می شود مرا آنجا زندانی کند. هر وقت هم دلش می سوخت مرا از انباری بیرون بیاورد. ترس از قیامت و جهنم با من بزرگ شده است، مطمئن هستم تا لحظه مرگ با من خواهد بود. تصمیم گرفتم برای رهایی از ترس و آشنایی با روز قیامت به قرآن مراجعه کنم، قرآن را مثل یک کتاب عادی به دست گرفتم. در حال استراحت، با وضو و بدون وضو. نشسته و در حال قدم زدن خواندم. البته این از احترامی که نسبت به این کتاب آسمانی دارم چیزی کم نمی کرد. بلکه می خواستم برای فهمیدن مطالعه کنم.

از وقتی هم که خواندن و نوشتن را یاد گرفتم دوست داشتم قرآن را هم مثل دیگر کتاب ها در هر حالتی که احساس آرامش می کردم، بخوانم ولی پدر می گفت، دست زدن به قرآن با وضو و نشسته باشد، چند بار قرآن را با وضو و نشسته خواندم، ولی از نیلای گرفتن وضو و مطالعه به صورت نشستن روی زانو خسته می شدم به همین خاطر خواندن قرآن را رها کردم.

همراه با قرآن وارد روز جزا شدم. برادرانی را دیدم که باهم بیگانه بودند. درماندگی حاکمانی را می دیدم که برای نجات خودشان التماس می کردند. پدری را مشاهده کردم که با فریاد از زن و بچه هایش کمک

می‌خواست. می‌گفت، در دنیا این من بودم که با پول حرام موجب عیش و نوش شما را فراهم می‌کردم! ولی در این روز سخت کم‌کم نمی‌کنید؟! تنها این پدر و آن زن بدزبان نبود که روزگار شوهرش را سیاه کرده بود! خیلی از علمای دینی هم گرفتار بودند، در قیامت جزای هرکسی با ذره‌های عملکردش سنجیده می‌شود. لحظاتی واقعاً احساس کردم که قیامت برپاشده را می‌بینم. از قرآن بیرون آمدم و آن را بوسیدم و روی طاقچه خانه گذاشتم.

ارسلان رسولی (الف - خورمقام)